

مروری بر زندگی سید محمد فرزند امام هادی علیه السلام

<?xml encoding="UTF-8?">



مروری بر زندگی سید محمد فرزند امام هادی علیه السلام

سید محمد بنابر برخی از منابع، حدود سال 228 ق. متولد شد. [16] بنا بر این قول، سید محمد، فرزند اول امام است؛ ولی طبق برخی روایات سید محمد فرزند دوم و از امام حسن عسکری (ع) کوچک تر بود. علی بن مهزیار نقل می کند: به امام هادی (ع) گفتم: اگر شما از دنیا بروید، به چه کسی رجوع کنیم؟

امام فرمود: «عهدی الی الاکبر من ولدی». [17]

سید محمد به اندازه ای جلیل القدر و عظیم الشان بوده است که شیعیان خیال می کردند او امام بعدی است. یاران امام هادی (ع) نیز درباره امامت وی از امام سؤال می کردند. علی بن عمرو نوفلی می گوید: همراه ابی الحسن (ع) در حیاط منزلشان بودیم که پسرش محمد از جلوی ما گذشت. گفتم: فدایت شوم، آیا امام ما بعد از شما این است؟ امام در جواب من فرمود: نه، امام شما بعد از من، حسن است [18].

علاقه امام به سید محمد

امام هادی (ع) و فرزندش امام حسن عسکری (ع) به محمد بسیار ابراز علاقه می کردند؛ به طوری که امام برای او مجلس ختم برگزار کرد. جمعی از بنی هاشم، از جمله حسن بن حسن افطس نقل کرده اند:

روز وفات سید محمد،

به خانه امام هادی (ع) رفتیم، مشاهده کردیم که در صحن خانه بساط گسترده اند و مردم دور تا دور نشسته اند. جمعیت را تخمین زدیم، به جز موالی و سایر مردم 150 نفر از آل ابی طالب، بنی هاشم و قریش حضور داشتند. ناگهان امام حسن (ع) وارد شد و در کنار پدرش ایستاد. ما حضرت را نمی شناختیم. پس از ساعتی امام هادی (ع) رو به او کرد و فرمود: «یا بنی احدث لله شکرا فقد احدث فیک امرا».

امام حسن (ع) گریه کرد و گفت: الحمد لله رب العالمین، ایاه نشکر نعمه علینا و انا لله و انا الیه راجعون».

پرسیدم: او کیست؟ جواب دادند: حسن (ع) فرزند امام علی النقی (ع). در آن وقت بیست ساله به نظر می رسید،
ما فهمیدیم که پس از پدر، او امام است. [19]

وفات

سید محمد در سال 252 ق. برای زیارت خانه خدا، قصد سفر کرد. هنگامی که به قریه بلد [20] رسید، مریض شد و
درگذشت. شیعیان او را در همان جا دفن کردند. [21]

کرامات

کرامات زیادی از این فرزند بزرگوار امام هادی (ع) دیده شده است، میرزا حسین نوری در النجم الثاقب می نویسد:

سید محمد صاحب کرامات متواتر است و حتی نزد اهل سنت هم معروف است. مردم عراق حتی اعراب بادیه
نشین هم می ترسند به نام او قسم یاد کنند. اگر آنها را به برداشتن مالی متهم کنند، آن را بر می گردانند، ولی به
سید محمد قسم نمی خورند؛ زیرا عذاب آن را دیده اند. [22]

تعدادی از علما، درباره کرامات سید محمد کتاب هایی نوشته اند؛ از جمله: رساله ای در کرامات سید محمد بن
علی الهادی، تألیف مهدی آل عبد الغفار کشمیری. در اینجا به نمونه ای از کرامات وی اشاره می شود:

علامه سید هادی خراسانی بجستانی [23] از سید حسن آل خوجه، از خدام آستانه عسکریین (ع)، نقل می کند:

در صحن شریف ابی جعفر سید محمد نشسته بودم. متوجه شدم شخصی عرب در حالی که یکی از دست هایش
را به گردن بسته بود، وارد آستانه شد. نزدیک رفتم و از علت مریضی او سؤال کردم. در جوابم گفت: سال گذشته،
روزی به منزل خواهرم رفتم. دیدم در حیاط، گوسفندی بسته است. خواستم ذبح کنم و بخورم، خواهرم اجازه
نداد و گفت: این گوسفند نذر سید محمد است. من به حرف او توجه نکردم و آن را ذبح کردم، پس از سه روز آثار
شلی در دستم نمایان و روز به روز بدتر شد. من متوجه علت آن نبودم، تا اینکه در این اواخر متوجه عملم شدم.
حالا هم پشیمانم و برای شفا به آستانه سید محمد آمدم. سپس با همراهیان وارد حرم شد و شروع به گریه و
زاری کردند. پس از ساعتی دیدم دستش را حرکت می دهد. سجده شکر به جا آورد و نذر کرد هر سال گوسفندی
بیاورد و به نیت سید محمد ذبح کند.